

موضوع تفکر در رسیدن یا نرسیدن ما به مقصد چه نقشی دارد؟

آموزه‌های دینی اسلامی چه مواردی را موضوع تفکر معرفی کرده است؟

کیمیا بلدید؟ می‌دانید که می‌شود مس وجود را به طلا تبدیل کرد؟ آن هم با ابزاری به نام تفکر! بی‌دلیل نیست که خدا این‌طور ما را به فکر کردن درباره‌ی خود و پدیده‌های خلقت فرا می‌خواند؛ در واقع تفکر تنها سوخت حرکتی ما، اما با قابلیت فوق‌العاده است. اصلاً راهی به جز فکر کردن سراغ داریم، که بتواند عمر بر فنا رفته‌ی ما را در ساعت و یا حتی لحظه‌ای جبران کند؟^۱ فکر کردن دقیقاً همان چیزی است که در فرصت کوتاه دنیا به آن احتیاج داریم؛ تسریع کننده‌ای که ما را به بلندای ابدیت جلو می‌اندازد. جالب است که فراخوان‌های خدا هم غالباً دعوت به تفکرند؛ تفکر در خود، در آسمان، شب و روز، خورشید و ماه، آفرینش مخلوقات و هر چیزی که در تسخیر ماست، اما چرا خدا از بین این همه ابزار، فکر کردن را برای ما انتخاب کرد؟ مگر موضوع تفکر ما را به کجا می‌رساند و با کمک آن پرده از چه حقایقی برداشته می‌شود؟

برای فهمیدن هدف تفکر ابتدا لازم است، هدف خلقت خود را بدانیم که تبدیل شدن به غایتی است که خدا برایمان در نظر گرفته، اما این تبدیل نیاز به ابزاری مثل خوب دیدن، خوب شنیدن، خوب فکر کردن و تعقل دارد.

در واقع خداوند فکر کردن را ثمره و نتیجه‌ی مطالعه، خوب دیدن و خوب شنیدن معرفی می‌کند، چون انسانی که از پنجره‌ی عادت به پدیده‌ها نگاه می‌کند، هیچ‌وقت متوجه عظمت خلقت خدا نشده و ارتباط خود را به عنوان محور خلقت با نظام هستی درک نمی‌کند؛ در نتیجه نمی‌تواند از مخلوقاتی که خداوند مسخر او کرده، به درستی استفاده کند؛ مثلاً به دنیای زیبا و شگفت‌انگیز میوه‌ها فکر کنید. میوه‌ها در نگاه اولیه خوراکی‌هایی سرشار از ویتامین هستند، که برای هضم غذا هم مفیدند، اما این تنها کاربرد آنها نیست. میوه‌ها از لحاظ بصری هم، رنگ‌آمیزی و شکل زیبا و منحصر به فرد خود را دارند. به لحاظ بویایی می‌توانند

پیامبر (صلی الله علیه و اله): یک ساعت اندیشه کردن، بهتر از عبادت هفتاد سال عبادت است. شرح اصول کافی، ج ۱، ص ۲۰۷.

آرامش‌بخش باشند. همین‌طور ممکن است دارای ارزش‌های غذایی یا دارویی خاصی باشند. ما تنها در صورتی به این ویژگی‌ها پی می‌بریم که در کیفیت خلقت میوه‌ها فکر کرده و ارتباط خود را با آنها جستجو کرده باشیم؛ در حقیقت فکر کردن و موضوع تفکر، کلید کشف ارتباط ما با کل خلقت است.

ابزاری به نام عقل

شاید در نگاه اول بین فکر و عقل تفاوت چندانی قائل نشویم؛ درحالی که برای فکر کردن و نگاه عادلانه باید از ابزار عقل استفاده کنیم، اما نه عقلی که آلوده به اوهام و خیالات است، دچار تردید و وسوسه می‌شود و یا تزلزل پیدا می‌کند؛ چون عقل متزلزل توان مقایسه و محاسبه درست ندارد، ارزش‌گذاری‌هایش را بر مبنای درستی انجام نداده و در نتیجه خروجی‌هایی ارائه می‌دهد، که دور از واقعیتند. صاحب چنین عقلی شگفتی‌های خلقت را می‌بیند، اما به سادگی از کنارشان عبور می‌کند؛ این شگفتی‌ها در ذهنش سؤال ایجاد نکرده و او را وادار به تفکر نمی‌کنند؛ در نهایت هم به چگونگی اتفاق افتادن پدیده‌ها فکر می‌کند، نه به چیستی و چرایی آنها.

برای نمونه خدا ما را به تفکر دربارهٔ آسمان و زمین دعوت کرده است و ما هر روز به آسمان نگاه می‌کنیم، اما آیا تا به حال به این فکر کرده‌اید، که چگونه با وجود این همه حرکت و انفجارات پی‌درپی اتمی در خورشید، زمین برای ما محل امن و آرامش و سکون قرار داده شده است؟ همین الان که در حال خواندن این مطلب هستید، محل استقرار ما در حال حرکت است، اما ما متوجه حرکات چندگانهٔ زمین نمی‌شویم! چرا خدا آسمان را به این ترتیب برای حفاظت ما طراحی و خلق کرده؟ یا به جای شنیدن انفجارات عظیم فضایی و جابه‌جایی‌های هولناک لایه‌های زمین، گوشمان را با صدای وزش باد و حرکت آب و آواز پرندگان پر کرده است؟ انگار تمام خلقت دست به دست هم داده‌اند تا ما فارغ از هیاهوی دنیای بیرون، مسیر

حرکت به سوی حقیقت بی‌نهایت خود را طی کنیم و ما بی‌توجه به شگفتی‌های عالم که از درون و بیرون احاطه‌مان کرده‌اند، سرگرم کسب کمالات دنیایی خود هستیم.

چگونه به نگاه خود عمق ببخشیم؟

دلیل اینکه اکثر ما چیزی از نگاه خود به دست نمی‌آوریم، چیست؟ گفتیم که ابزار تفکر یعنی عقل باید سالم باشد، اما این کافی نیست. ما باید موضوع تفکر خود را هم بدانیم؛ در واقع فکر کردن مانند به راه انداختن یک کارخانه است. یک کارخانه با وجود پیشرفته‌ترین دستگاه‌ها هنوز احتیاج به مواد اولیه‌ای دارد تا به وسیله آن تبدیلی صورت بگیرد، به همین ترتیب هم اگر ما مواد اولیه مرغوبی به عنوان موضوع تفکر نداشته باشیم، غرق در خیال‌پردازی و توهم می‌شویم.

البته از آنجا که خدا هرگز ما را در این مسیر سرنوشت‌ساز به حال خودمان رها نکرده، منبعی به نام قرآن در اختیارمان قرار داده تا با تفکر در آن، به اصل حقیقی خود برسیم؛ متوجه شویم که موجودی ابدی هستیم و لوازم حرکتیمان به سمت بی‌نهایت، باید در مدت زمان کوتاه این دنیا فراهم شود. ما باید از قیمت و اندازه خود آگاه شویم؛ به ناچیز بودنمان در برابر خالق هستی پی ببریم و از خود سؤال کنیم که انسان کیست که

تمام تجلیات خدا در قرآن به او داده شده و ساختار ریاضی عالم با نظام وجودی او تنظیم شده است؟ در واقع خدا با فراهم کردن موضوع تفکر، نقشه راه را برای پیمودن مسیر ما به سوی حقیقت، در اختیارمان قرار داده و با دعوت کردن ما به این تفکر، راه سرعت گرفتن در این مسیر ابدی را برایمان فراهم کرده است. در مقاله «ما برای دیدن ملکوت آسمان‌ها و زمین، باید خود را به دیدن ملکوت اشیاء عادت دهیم.» به چگونگی مراحل این تفکر به طور مفصل‌تری پرداخته‌ایم.

در این مقاله درباره اهمیت موضوع تفکر در حرکت به سوی حقیقت بی‌نهایت خود صحبت کردیم. گفتیم که خدا در موارد متعددی ما را دعوت به تفکر درباره آسمان‌ها، زمین، حرکت ماه و خورشید، آفرینش مخلوقات، انسان و آنچه در تسخیر اوست، می‌کند. تفکری که در نهایت خود حقیقی ما را به ما شناسانده و رابطه‌مان را با نظام هستی مشخص می‌کند. ما در این مسیر نیاز به عقلی سالم و موادی مرغوب برای فکر کردن داریم. در غیر این صورت گرفتار توهم و خیالات شده و به غایت انسانی خود دست پیدا نمی‌کنیم. آیا تا به حال به موضوع تفکر با این دید نگاه کرده بودید؟ شما برای تفکر چه موضوعاتی را در اولویت خود قرار می‌دهید؟

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer